

«مجید کوششی» عضو هیأت علمی گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «آتیه‌نو» مطرح کرد

تبعات افزایش جمعیت سالمندی برای صندوق‌های بازنشستگی

از افزایش جمعیت سالمند در کشور می‌گیرد، صندوق‌های بازنشستگی از جمله سازمان تأمین اجتماعی است. افزایش جمعیت سالمند و کاهش جمعیت فعال، تعادل منابع و مصارف سازمان‌های بیمه‌گر را برهم می‌زند. در این زمینه و برای بررسی پیش‌تر و موشکافی این موضوع به سراغ «مجید کوششی» جمعیت‌شناس و عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران رفتیم و با او در مورد این مباحث به گفت‌وگو پرداختیم. در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.



سود جمعیتی دوم و سوم چه مسائلی را شامل می‌شود؟

سود جمعیتی اول خاتمه پیدا خواهد کرد و همه نگران می‌شوند. اما واقعیت این است که یک سود جمعیتی دوم به وجود می‌آید که آن‌هم در اثر افزایش جمعیت سنین بزرگسالی و سالمندی است. این هم یک اثر مثبت دیگری دارد و آن این است که ما معمولاً نباشت ثروت را از یک سنی شروع می‌کنیم. یک جایی ثروت دوران زندگی رشدش سریع می‌شود. این سن حدود ۴۵ سالگی است. یعنی در دهه ۴۰ سالگی عمر، انباشت دارایی اوج می‌گیرد. تا دهه ۴۰ سالگی عمر شیب منحنی پس‌انداز و انباشت دارایی برای یک انسان متوسط کند است. برای اینکه این انسان متوسط تا این سن به طور مستمر در حال تأمین نیازهای کودکان و احتمالاً نیازهای والدین و یا افزایش استاندارد زندگی و رفاه خود است.

بنابراین به تدریج این نیازها که برآورده شود، او شروع می‌کند به پس‌انداز و ثروت اندوختن؛ اما منابع ثروت‌اندوزی این ثروت‌ها کجا می‌رود؟ به این ثروت‌ها در اصطلاح می‌گوییم دارایی‌ای که یا به صورت سرمایه، مانند حساب بانکی، سهام بورس و یا حتی طلاست و یا به صورت ملک است؛ مانند مغازه، باغ، زمین کشاورزی، آپارتمان، خانه، زمین. دارایی به هر دو شکل برای کسری سنین کودکی که افراد کار نمی‌کنند و سالمندی که کمتر کار می‌کنند، استفاده می‌شود. کسب درآمد از دارایی نشان می‌دهد که دارایی در هر دو شکل در تولید مشارکت دارد. بنابراین تغییری که اتفاق می‌افتد، وقتی جمعیت در سن کار دیگر مانند دوره پنجره فرصت جمعیتی رشد نمی‌کند، جای دیگری پنجره فرصت جدیدی باز می‌شود که می‌تواند به تولید و رشد درآمد سرانه کمک کند که آن، افزایش سرمایه و افزایش نسبت سرمایه به کار است که بهره‌وری را افزایش می‌دهد. رشد بهره‌وری می‌تواند در رشد اقتصادی مؤثر باشد.

به این موضوع می‌گویند سود جمعیتی دوم. بنابراین یک پنجره فرصت دیگر باز شد. چطور باز شد؟ از طریق افزایش جمعیت کسانی که دارای ثروت هستند، دارایی دارند و این دارایی در تولید مشارکت می‌کند. اما در مورد سود جمعیتی سوم، همان‌طور که قبلاً اشاره کردم این پنجره به عنوان پیامد بهبود شرایط زیست و افزایش شانس زنده ماندن در اثر افزایش امید به زندگی، باز می‌شود. انسان متوسط که به خاطر افزایش امید به زندگی، اکنون انتظار دارد سال‌های بیشتری عمر کند، منطقی نیست که مانند قبل در سنین پایین بازار کار را ترک کند؛ بنابراین در بازار کار باقی خواهد ماند و این کمک می‌کند به تأمین نیروی کار برای تولید بیشتر به عنوان جایگزین تعداد ثابت یا رو به کاهش نیروی کار در اثر کاهش باروری. همان‌طور که اشاره کردم، ماندن در بازار کار شروع دریافت مستمری این فرد متوسط را به تعویق می‌اندازد.

طی چند سال اخیر موضوع پیری جمعیت در کشورمان یکی از مسائلی بوده که در سطح کلان، توجه بسیاری را به خود جلب کرده است، موضوعی که بارها از سوی مقام معظم رهبری مورد تأکید قرار گرفته و ایشان در بند هشتم سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی نیز به صورت خاص به آن پرداخته‌اند. دولت سیزدهم از ابتدای کار خود تلاش داشته با تغییر سیاست‌گذاری در این حوزه از حرکت جامعه ایرانی به سوی سالمندی بیشتر جلوگیری کند. این در حالی است که یکی از بخش‌هایی که تأثیر زیادی

گزارش



رامین بیات

روزنامه‌نگار

مهم‌ترین عامل افزایش تعداد سالمندان در جامعه ایرانی چیست؟

در ابتدا باید به این نکته اشاره کرد افزایش تعداد سالمندان در حال حاضر و در آینده، یعنی سال‌های ۱۴۳۰ تا ۱۴۵۰ مستقل از تغییرات باروری کنونی است. به طور کلی سالمند شدن جمعیت، به معنای به هم خوردن توازن جمعیت گروه‌های سنی مختلف، باروری است. یعنی باروری عامل تغییراتی است که از طریق کمتر شدن تعداد کودکان و نوجوان‌ها و جوان‌هایی تواند توازن گروه‌های سنی مختلف را برهم زند. نگرانی‌هایی هم که در مورد سالمندی وجود دارد، به خاطر همین عدم توازن است. نگرانی دیگری که وجود دارد، رشد جمعیت سالمند است که می‌بشت کاملاً مستقلی است، یعنی ما برای جلوگیری از افزایش جمعیت سالمند هیچ کاری نمی‌توانیم انجام دهیم. این در حالی است که افزایش جمعیت سالمند که حداقل دو، سه دهه است آغاز شده، همچنان با سرعت بیشتری ادامه خواهد یافت. به عبارت دیگر، سالمندان بازمانده یا زنده‌مانده نسل‌هایی هستند که با نرخ باروری بالایی که در گذشته وجود داشت، به دنیا آمده‌اند. همچنین افزایش امید به زندگی، موضوع دیگری است که باعث کاهش قابل توجه مرگ‌ومیر شده است.

افزایش امید به زندگی چه تأثیری بر روی عملکرد صندوق‌های می‌گذارد؟

افزایش امید به زندگی موضوع مهمی است که برای صندوق‌های بازنشستگی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. افزایش رشد جمعیت بزرگسالان و سالمندان در اثر افزایش امید به زندگی، دو تأثیر مهم برای سیستم‌های بازنشستگی مبتنی بر حقوق تعریف شده دارد؛ نخست اینکه طول دوران مستمری‌بگیری را افزایش می‌دهد، بخصوص در ایران که متوسط سن بازنشستگی پایین و حدود ۵۴-۵۳ سال است. در واقع امید به زندگی طول این دوران را بیشتر می‌کند؛ چون افزایش طول عمر در حقیقت افزوده شدن به سال‌های مرحله پایانی عمر انسان است. در سست است که افزایش امید به زندگی شانس زنده ماندن همه سنین از کودکی تا سالمندی را افزایش می‌دهد، اما این افزایش اساساً طول عمر در سال‌های سالمندی را طولانی می‌کند.

کودکی دوران مشخص و ثابتی است و اگر شما بگویید دوران کودکی زیر ۲۰ سال است، می‌شود صفر تا ۱۹ سال. این موضوع تغییرپذیر نیست. وقتی امید به زندگی افزایش می‌یابد، تعداد کودکان افزایش می‌یابد، اما طول دوران کودکی افزایش نمی‌یابد، اما دوران سالمندی موضوع متفاوت است. با افزایش امید به زندگی و شانس زنده ماندن تا سنین بالا هم طول دوران سالمندی بیشتر می‌شود و هم تعداد سالمندان افزایش بیشتری خواهد داشت، بنابراین شما در یک سیستمی که متوسط سن بازنشستگی پایین است، به دلایل زیاد از جمله اهداف حمایتی صندوق‌ها و یا بازنشستگی پیش‌از‌موعد، امید به زندگی که هم‌زمان تعداد و طول سالمندی را افزایش می‌دهد، این موضوع هم تعداد بالقوه مستمری‌بگیران و هم طول دوره مستمری‌بگیری را افزایش خواهد داد. یعنی تعداد بیشتری در سال‌های بیشتری زنده می‌مانند و باید صندوق به آنها پرداختی داشته باشد. از طرف دیگر، این اتفاق برای افراد تبعی بازنشسته می‌افتد، یعنی افزایش امید به زندگی، شانس زنده ماندن آنها را هم افزایش می‌دهد و طول عمر آنها را هم بیشتر می‌کند که این موضوع فشار بسیار زیادی به صندوق‌های بازنشستگی از جمله صندوق تأمین اجتماعی وارد می‌کند. عوامل اجتماعی دیگری هم وجود دارد که طبق قوانین تأمین اجتماعی، پرداختی‌های صندوق‌ها را افزایش می‌دهد. برای مثال، تأخیر در ازدواج و کاهش عمومیت آن و همچنین افزایش احتمال طلاق، می‌تواند از طریق افزایش تعداد دختران غیر متأهل و غیر شاغل پرداخت وظیفه‌بگیری را افزایش دهد.

این افزایش فشار پرداخت مستمری‌بگیری با توجه به افزایش امید به زندگی چه تبعاتی برای تأمین اجتماعی به دنبال دارد؟

بنابر این چنانچه موانع برداشته و سن بازنشستگی بیشتر شود، هم طول دوران کار افزایش می‌یابد و هم پرداختی‌های صندوق‌ها کمتر خواهد شد.

یعنی این مسئله هم پرداختی‌ها را کاهش می‌دهد و هم اینکه این افراد سال‌های بیشتری کار می‌کنند. ضمن اینکه در رفتی‌ها هم بیشتر می‌شود، برای اینکه سال‌های بیشتری بیمه پرداخت می‌کنند، بنابراین با کاهش رشد جمعیت در سن کار، اتفاقات مثبت دیگری در اثر تغییرات جمعیتی رخ می‌دهد. در حال حاضر دیگر این پنجره فرصت جمعیتی به



پنجره فرصت جمعیتی هیچ‌وقت به طور کامل بسته نمی‌شود. این یک خطای بزرگ در نادیده گرفتن پیامدهای ثانویه تغییرات جمعیتی است، همان‌طور که افزایش امید به زندگی، طول دوران سالمندی را افزایش می‌دهد

این شکل مطرح نمی‌شود. اینکه گفته می‌شود جمعیت در سن کار افزایش پیدا کرده، حالا رشد آن ضعیف می‌شود یا در صدد کاهش می‌یابد و مشکل ایجاد می‌شود، این طور نیست. ما در حال حاضر صحبت از سود جمعیتی اول، دوم و سوم می‌کنیم.

این سود جمعیتی شامل چه مواردی می‌شود؟

سود جمعیتی، سه بُعد دارد. یک بُعد همان پنجره فرصت جمعیتی است که در ذهن مردم جای دارد. این بُعد می‌گوید که با کاهش تعداد کودکان، طبیعتاً یک مقدار بار دولت‌ها و خانوارها کم می‌شود. این‌ها می‌توانند بیشتر در توسعه سرمایه انسانی سرمایه‌گذاری کنند، فرزندان سالم‌تر داشته باشند، فرزندان آموزش دیده و با مهارت داشته باشند که این موضوع می‌تواند به اقتصاد کمک کند. از طرف دیگر، وقتی این بار کم می‌شود، هم‌زمان جمعیت در سن کار رشد می‌کند. این رشد جمعیت در سن کار می‌تواند به رشد اقتصادی منجر شود.

حتی اگر مدل اقتصادی ما در تولید و مصرف ثابت باشد؟

نگرانی که وجود دارد این است که این پیامد مطلوب موقتی است. یعنی در آینده جمعیت در سن کار به همین شکل رشد نمی‌کند که خیال ما راحت باشد که اقتصاد ما رشد و تولید رونق می‌یابد و صندوق‌ها آسوده می‌شوند و به همین منوال رشد خواهند کرد. وقتی شما فقط پنجره فرصت جمعیت را به این شکل می‌بینید این نگرانی وجود دارد.

